

بسم الله الرحمن الرحيم

## پاسخ به قلدر



سرهنگ مولوی ، رئیس ساواک تهران بود. وی شخصی بسیار هتاک ، بی رحم و قلدر بود. درنوروز سال چهل ودو به فرمان او دژخیمان به مدرسه فیضیه قم حمله کرده ، وآن جنایت وکشتار بی رحمانه را پدید آوردند.

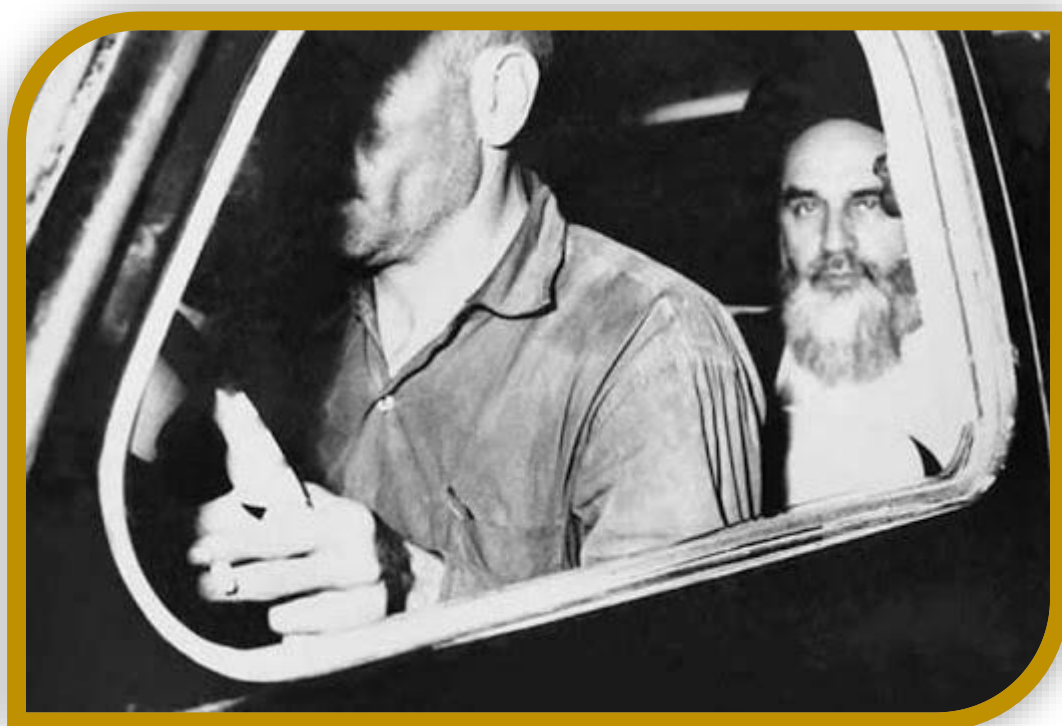


حضرت امام خمینی در سیزدهم خرداد همان سال در مدرسه فیضیه، سخنرانی تاریخی  
ومهمی را ایراد فرمودند. و از جنایاتی که رژیم شاه در مدرسه فیضیه انجام داده، پرده  
برداشتند.



در این سخنرانی ، امام هنگامی که می خواستند از سرهنگ مولوی نام ببرند، فرمودند:  
« آن مردک ، که حال اسم او را نمی برم ، آن گاه که دستور دادم گوش او را ببرند، نام  
او را می برم.»

دو روز بعد، یعنی پانزدهم خرداد ماه ۴۲ امام را دستگیر کردند و در پادگان عشرت  
آباد تهران زندانی نمودند.



مرحوم شهید حاج آقا مصطفی از حضرت امام نقل کردند: در این هنگام سرهنگ  
مولوی وارد شد و با همان ژست قلدر مآبانه خود و به طور مسخره آمیز گفت: « آقا!  
تازگی دستور نداده اید که گوش کسی را ببرند؟! »



او با این سخن می خواست نیش زهری بزند و به خیالش، روحیه امام را تضعیف نماید.  
ولی امام پس از چند لحظه سکوت، سرشان را بلند کرده و با حالتی آرام و مطمئن  
در پاسخ فرمودند: «هنوز دیر نشده است.»

